

## گونه‌شناسی استشهدای قرآنی خطبه فدکیه

نصرت نیلساز\*

استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

زهرة بابااحمدی میلانی\*\*

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۹)

### چکیده

پیشینه استشهدا به آیات قرآن کریم سابقه‌ای دیرینه دارد و از همان آغاز نزول قرآن، خود پیامبر<sup>(ص)</sup>، حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> و ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> در سخنان خود به آیات قرآن کریم استشهد می‌کردند و در واقع، بعد از نزول قرآن کریم نیز شاعران و نویسندگان در آفرینش آثار ادبی خود، شیوه‌های بیانی قرآن را الگوی کار خود قرار دادند و از الفاظ و اندیشه‌های قرآنی در آثار خود بهره جستند. از آنجا که بعد از پیغمبر اکرم<sup>(ص)</sup>، دیگر ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> مفسر و مبین قرآن کریم هستند و از شاخصه‌های کلام ایشان، استشهدا به آیات قرآن و به کار بردن تعبیرهای قرآنی است. لذا ضرورت پژوهش برای گونه‌شناسی اقتباس‌های ائمه از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این میان، خطبه فدکیه یکی از رساترین خطبه‌های حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> در باب غصب «فدک» بوده که سرشار از آیات و اشارات قرآنی است. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، پاسخ تفصیلی به این پرسش است که گونه‌های استشهدا و اقتباس‌های قرآنی حضرت زهرا<sup>(س)</sup> در خطبه فدکیه به چه صورت بوده است.

**واژگان کلیدی:** آیات قرآن، استشهدا تلویحی و تصریحی، خطبه فدکیه، حضرت

فاطمه<sup>(س)</sup>.

---

\* E-mail: nilsaz@modares.ac.ir

\*\* E-mail: z.milani21@yahoo.com (نویسنده مسئول)

## مقدمه

خطبه فدکیه سخنرانی طولانی حضرت فاطمه<sup>(ص)</sup> در مسجد پیامبر<sup>(ص)</sup>، برای بازپس گرفتن فدک از غاصبان است. «فدک» یکی از دهکده‌های آباد اطراف مدینه نزدیک خیبر بود که در سال هفتم هجرت و با سقوط قلعه‌های خیبر در برابر اسلام و شکست قدرت مرکزی یهود، ساکنان آن از در صلح و تسلیم در برابر پیامبر<sup>(ص)</sup> درآمدند و نیمی از زمین و باغ‌های خود را به آن حضرت واگذار کردند و نیم دیگری را برای خود نگه داشتند. با توجه به آیه «فَیْءُ»<sup>(۱)</sup>، این زمین مخصوص پیغمبر گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> بود که پیامبر<sup>(ص)</sup> آن را به دخترش، فاطمه<sup>(ص)</sup> بخشید و این سخنی است که بسیاری از منابع شیعه و سنی به آن تصریح کرده‌اند (ر.ک؛ کلینی، بی تا، ج ۲: ۱۰۵؛ امینی، بی تا، ج ۲: ۲۷۶؛ صدر، ۱۴۱۵ق.؛ ۳۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق.، ج ۴: ۱۷۷؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق.، ج ۷: ۴۹؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷، ج ۱۶: ۲۱۰-۲۶۷)، ولی بعد از پیامبر، کسانی که وجود این قدرت اقتصادی را در دست همسر علی<sup>(ع)</sup> مزاحم قدرت سیاسی خود می‌دیدند، با اینکه فاطمه<sup>(ص)</sup> رسماً متصرف آن بود و نیز اقامه شهود کرد که پیغمبر شخصاً فدک را به او بخشیده است، اما آن را غصب کردند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، بی تا: ۶۳۰ و زنجانی، ۱۳۷۳: ۲۲-۲۷).

بنابراین، خطبه فدکیه به سبب افشای غضب خلافت و مبارزه با انتساب دروغین به پیامبر<sup>(ص)</sup> درباره ارث، از موضوع‌های بسیار اساسی و حائز اهمیت در مکتب تشیع است. در بررسی خطبه فدکیه مشاهده می‌شود که به دلیل عجیب بودن قرآن کریم با روح و جان حضرت فاطمه<sup>(ص)</sup>، سخنان ایشان شدیداً تحت تأثیر آیات قرآن قرار دارد و سرشار از آیات و اشارات قرآنی است. لذا در این پژوهش، ضرورت این مسئله وجود داشت که میزان و گونه‌های تأثیرپذیری کلام حضرت فاطمه<sup>(ص)</sup> از قرآن کریم به چه صورت است و این پژوهش به صورت تفصیلی به این پرسش پاسخ خواهد داد که قالب‌های کاربرد قرآن در سخن حضرت<sup>(ص)</sup> به چه صورت است و در واقع، گونه‌شناسی به این صورت است که گاه حضرت<sup>(ص)</sup> صریحاً به کل آیه قرآن کریم یا بخشی از آیه استناد کرده‌اند. گاهی نیز عبارت‌ها و تعبیرهای قرآنی تلویحاً در کلام پیامبر<sup>(ص)</sup>

مشاهده می‌شود. استشهاد تصریحی به این صورت است که حضرت<sup>(س)</sup> در احتجاج‌ها و در تأیید سخنان خویش، دقیقاً به آیه کامل یا به بخشی از آن استشهاد می‌کنند. در استشهاد محتوایی نیز به این صورت است که مضمون آیات قرآن در کلام حضرت آمده باشد، بدون اینکه به بهره‌گیری از آیات قرآن اشاره شود که خود به چهار بخش تقسیم می‌شود: ۱- استشهاد واژگانی: این نوع خود به دو زیربخش تقسیم می‌شود: الف) وامگیری. ب) تلخیص آیه و ترکیب‌های متناظر. ۲- استشهاد گزاره‌ای: این نوع نیز به دو قسم تقسیم می‌شود: الف) اقتباس. ب) حل یا تحلیل. ۳- استشهاد گزارشی که این نوع نیز به دو زیربخش تقسیم می‌گردد: الف) بیان با الفاظ مترادف. ب) تفسیر. ۴- استشهاد الهامی. در این جستار، به منظور تبیین میزان اثرپذیری خطبه فدکیه از قرآن کریم، با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل هر کدام از انواع استشادهای یاد شده می‌پردازیم.

## ۱- پردازش موضوع

قرآن کریم یگانه منبع سرشار معارف عالیة اسلام است. هر کس بخواهد بر تعالیم حکیمانه اسلام دست یابد، باید ریشه آن را در قرآن ردیابی کند و هرگاه مسلمانان با ابهامی در بیانات قرآنی روبه‌رو می‌شدند، در زمان حیات پیامبر از ایشان و پس از رحلت پیامبر، از افرادی که در این امر خبره بودند، سؤال می‌کردند. پس از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>، حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> امام و حجت الهی، علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup> و بعد از ایشان، فرزندان ایشان، ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> که باب علم رسول الله، راسخان در علم و آگاهان به تأویل قرآن بودند (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۱۳)، این وظیفه را به عهده داشتند. از آنجا که ائمه بر معارف قرآن تسلط کامل داشتند و تنزیل و تأویل آن را می‌دانستند (همانجا)، در سخنان خود به اقتضای کلام به آیات قرآن استشهاد می‌کردند (ر.ک؛ احوار کی، ۱۳۸۹). جوامع حدیثی شیعه آکنده از پرسش‌های اصحاب پیامبر<sup>(ص)</sup> و ائمه از ایشان درباره آیات قرآن و پاسخ‌های پیامبر و ائمه (برای نمونه، ر.ک؛ برقی، ۱۳۳۰، ج ۱: ۳۵ و ۷۹؛ همان، ج ۲: ۳۴۶؛ اشعری، ۱۴۰۸ق: ۵۱؛ ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ق: ۳۸؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۵۰، ۵۱، ۱۱۵؛ و...)، و نیز استشادهای پیامبر<sup>(ص)</sup> و اهل بیت<sup>(ع)</sup> به آیات قرآن برای اثبات دیدگاه خود (برای نمونه، ر.ک؛ برقی، ۱۳۳۰، ج ۱: ۲۸۷؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۲۹؛ همان، ج ۲: ۵؛

همان، ج ۳: ۳، ۱۳۳؛ همان، ج ۷: ۶ و...) یا ردّ باور و پنداری غلط (ر.ک؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۳۰) است؛ به عنوان نمونه، هنگامی که حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> و عباس برای طلب میراث خود نزد ابوبکر آمدند، او با ادعای «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ أَنَّهُ يَقُولُ لَأَنْوَرْتُ: از رسول خدا شنیدم که می‌گفت: ما چیزی به ارث نمی‌گذاریم» (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۱: ۴؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴: ۴۲ و ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۸۱)، از دادن میراث ایشان استنکاف ورزید. حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> با بیان اینکه پدرم رسول خدا هرگز از حکم کتاب خدا روی نمی‌گرداند و با احکام آن بنای مخالفت نمی‌نهد، بلکه از آن پیروی می‌کند و شما بر فریبکاری با دروغ بستن به رسول خدا گرد آمده‌اید، برای ردّ سخن ابوبکر به آیات ﴿وَوَرِثَ سَلِيمَانَ دَاوُودَ﴾ (النمل/۱۶) و ﴿يَرْثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ﴾ (مریم/۶) استشهاد کردند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۴۲).

## ۲- استشهاد

استشهاد از ماده «شهد» و در لغت به معنای «گواهی خواستن» است (ر.ک؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۲: ۲۱۵۲)، چنان‌که گفته‌اند: «استشده: سأله الشَّهَادَة: از او خواست تا شهادت دهد» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۲۳۹). مراد از استشهاد به قرآن در این مقاله، آوردن کُل یا بخشی از آیه است که هماهنگ با سیاق سخن و برای اثبات مطلبی است. در واقع، حضرت<sup>(س)</sup> آیات قرآن را شاهی برای تأیید و تصدیق موضوع اصلی سخن خود می‌آورد و به آن استناد می‌کند؛ زیرا هیچ دلیل و برهانی محکم‌تر از آیات قرآن وجود ندارد.

## استشهاد صریح و آشکار به آیات قرآن

منظور از استشهاد صریح به آیات قرآن این است که عین نصّ قرآنی در خطبه فدکیه باشد، بی‌آنکه هیچ تغییر یا دخل و تصرفی در آن صورت گرفته باشد.

## ۲-۱-۱) استشهاد به یک یا چند آیه کامل

در فرازی از خطبه، حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> از وفات پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و عظمت این مصیبت یاد می‌کند و می‌فرماید: «این مصیبت و بلا نیز بر پیامبران پیشین نیز وارد شد. این حکم و قضایی

حتمی است». سپس برای تأیید این مطلب صریحاً به آیه ۱۴۴ سوره آل عمران استناد می‌کنند: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ و محمد جز فرستاده‌ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده‌اند و] گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود برمی‌گردید؟! و هر کس از عقیده خود باز گردد، هرگز هیچ‌زیانی به خدا نمی‌رساند و به‌زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد.

در فراز دیگری از سخنان خویش، پس از بیان شماری از اصول اخلاقی و نتایج آنها، مثل امر به معروف و نهی از منکر برای مصلحت جامعه، نیکی به پدر و مادر برای رهایی از غضب الهی، در وصف پیامبر (ص) به آیه ۱۲۸ سوره توبه استناد می‌کنند: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید؛ به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است.

در فراز دیگری از خطبه فدکیه، حضرت (س) از ظهور نفاق در مردم، در حالی که هنوز پیغمبر اکرم (ص) به خاک سپرده نشده بود، و اینکه «هر کس به غیر از اسلام دینی را برگزیند، از او مقبول نیست»، یاد می‌فرماید. سپس برای تأیید این مطلب، به آیه ۸۵ سوره آل عمران استشهد می‌کند: ﴿مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِيناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است. آیات دیگری از قرآن کریم هست که حضرت فاطمه (س) به مقتضای حال مخاطبان به آنها استشهد فرموده است (برای نمونه، ر.ک؛ المائدة/۵۰؛ هود: ۳۹؛ التوبه/۱۳ و الهمزه/۶ و ۷).

### ۳-۱-۲) استشهد به بخشی از آیه

هیچ تفاوتی میان این دو نوع استشهد (استشهد به بخشی از آیات و استشهد به آیات کامل) نیست و هدف از این پژوهش، گونه‌شناسی استشهادهاست. در واقع، گاه به آیه‌ای کامل و گاهی به مقتضای کلام و موقعیت سخن خویش، تنها به بخشی از آیه استشهد می‌کنند و

نیازی به استشهاد به تمام آیه نیست. در استشهاد به بخشی از آیه نیز همانند استشهاد به آیات کامل، موارد فراوانی در سخنان حضرت<sup>(س)</sup> موجود است که برخی از آنها را بیان می‌کنیم.

حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> در بخشی از خطبه در بیان مسئله «وراثت»، ابن‌ابی‌قحافه را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و من از ارث پدرم محروم باشم!» (منیع). سپس برای نادرستی این مطلب، به قسمتی از آیه ۱۶ سوره نمل، یعنی ﴿وَ وِرْثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ﴾ استناد می‌کنند و در ادامه کلام هم برای اثبات اینکه پیامبران ارث به جای می‌گذارند، به بخشی از آیات ۵ و ۶ سوره مریم، یعنی ﴿...فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ...﴾ و به بخشی از آیه ۱۱ سوره نساء ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ...﴾ و نیز بخشی از آیه وصیت، یعنی آیه ۱۸۰ سوره بقره ﴿...إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأُولَادِ ذَيْنَ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ استشهد کردند.

در موضوع دیگر، حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> در فرآزی از سخنان خویش، به بهانه آوردن مردم زمان خود از هراسیدن فتنه اشاره می‌کند، در حالی که نفاق در میان آنان پیدا شده، پیمان شکنی کردند و هنوز پیامبر به خاک سپرده نشده بود و می‌فرماید: ﴿...أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ در اینجا بخشی از آیه ۴۹ سوره توبه به زیبایی و با انسجام تام رابط میان بخش نخست کلام حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> و بخش بعدی در بیان بعید بودن این کار از آنها، در حالی که کتاب قرآن در مقابل آنهاست، ولی آن را پشت سر انداخته، به غیر قرآن حکم می‌کنند؛ قرآنی که امور آن روشن و احکام آن درخشان، و علایم هدایت آن ظاهر، و اوامر آن واضح است: «كَيْفَ بِكُمْ، وَأَنْتِي تُؤْفَكُونَ، وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَمْ بَغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟». در فراز دیگری از خطبه، خطاب به قبیله انصار می‌فرماید: «آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم؟! ... صدای دعوت من به شما می‌رسد، ولی پاسخ نمی‌دهید...، در حالی که شما به شجاعت و خیر و صلاح معروف بودید! ... پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده، پیمان شکنی کردید! سپس برای پیمان شکنی آنها می‌فرماید: «بُؤْسًا لِقَوْمٍ...» و استناد به بخشی از آیه‌ای از قرآن کریم می‌کنند: ﴿...تَكُونُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمُوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بِدَاؤِكُمْ

أَوَّلَ مَرَّةٍ اتَّخَسَوْهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ: گروهی که سوگندهای خود را شکستند و بر آن شدند که فرستاده [ی خدا] را بیرون کنند و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند! آیا از آنان می ترسید، با اینکه اگر مؤمن هستید، خدا سزاوارتر است که از او بترسید. این بخش از سخن حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> بدون هیچ گونه تغییر و دگرگونی، از آیه ۱۳ سوره توبه اقتباس شده است.

نمونه های فراوان دیگری را در کلام حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> می توان یافت که به آیات قرآن کریم استشهد کرده اند (برای نمونه، رک: البقره/۱۸۰؛ النساء/۱۱؛ آل عمران/۱۰۱ و ۱۰۳؛ فاطر/۲۸؛ الأنفال/۲۶؛ المائدة/۶۴؛ التوبه/۴۹؛ الأنعام/۶۷؛ ابراهیم/۸؛ الشعراء/۲۲۷؛ غافر/۷۸ و یوسف/۱۸).

## ۲-۲) استشهد تلویحی و پنهانی به آیات قرآن (اثرپذیری)<sup>۳</sup>

در این نوع استشهد، مضمون یا تصویری قرآنی در سخن آورده می شود یا سخن بر پایه آیه بنیان نهاده می شود، بی آنکه به بهره گیری از قرآن اشاره شود. اما گاه با اینکه میان کلام با آیه، گونه ای همسانی و همسویی است، چنان که آن آیه را فرا یاد خواننده آشنا می آورد، با این همه، نشانه و قرینه آشکاری مبنی بر آن وجود ندارد.

در این شیوه، گاه نشانه و قرینه ای حالی یا مقالی حاکی از این است که گوینده مستقیم یا غیرمستقیم از آیه یا آیاتی بهره گرفته است که از میان چهار نوع استشهد، سه نوع اول (واژگانی، گزاره ای و گزارشی) با تمام زیرشاخه های خود، قرینه لفظی یا مقالی دارند (که این قرینه، لفظی است)، ولی نوع آخر آن (الهامی - بنیادی)، قرینه حالی یا مقامی دارد (و مقصود از این نوع قرینه، اوضاع و احوالی است که در عرف، معنی خاصی از لفظ اراده شود). خطبه غدیر آکنده از این نوع استشهدهاست که خود گونه های مختلفی به شرح زیر دارد.

## ۲-۲-۱) استشهاد واژگانی

استشهاد واژگانی، مواردی از استشهداها به قرآن است که در آن، گوینده در به کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها و امدار قرآن است؛ یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در سخن خویش می‌آورد که ریشه قرآنی دارند و این خود به دو گونه زیر صورت می‌گیرد.

## ۲-۱-۱-۲) وامگیری

در این شیوه، واژه یا ترکیب قرآنی، بدون هیچ دگرگونی یا با اندک دگرگونی لفظی یا معنوی در کلام وارد می‌شود. نمونه‌های وامگیری، پربسامدترین نوع را در کلام حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> تشکیل می‌دهد، به طوری که کمتر فرازی از خطبه حضرت، خالی از آن می‌نماید که برای رعایت اختصار، موارد محدودی را بیان می‌کنیم. از نمونه‌های بدون تغییر، واژه «الضراء» در عبارت «وَتَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ فِي الْخَمْرِ وَالضَّرَاءِ» می‌باشد که در واقع، بدون هیچ گونه تغییری از آیه ۱۳۴ سوره آل عمران گرفته شده است: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾. ترکیب «كتاب الله» در عبارت «كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ» بدون هیچ گونه تغییری از آیه ۲۳ سوره آل عمران (... يُدْعُونَ إِلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ...) و ۲۹ سوره فاطر (... إِنْ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ...) گرفته شده است.

اما از نمونه‌های به کارگیری واژگان قرآنی با اندک تغییر واژه «الإحصاء» می‌باشد که حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> پس از حمد و ستایش خداوند می‌فرماید: «جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدَدُهَا: شمارش از شمردن آن‌ها عاجز است». «احصاء» از ریشه «حصی» می‌باشد، به معنای «شمارش کردن و احاطه بر چیزی» (ر.ک؛ طریحی، ج ۱: ۱۰۰ و راغب اصفهانی، ج ۱: ۲۴۰). این واژه با اندکی تغییر از آیه ۱۸ سوره نحل گرفته شده است: ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا...﴾ گفتند: و اگر نعمت [های] خدا را شماره کنید، آن را نمی‌توانید بشمارید. همچنین، از ترکیبات با اندک تغییر، ترکیب «الدِّينِ الْقَوِيمِ» در خطبه حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> می‌باشد که با اندکی تغییر از آیه ۴۰ سوره یوسف و آیه ۳۰ سوره روم (... ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) گرفته شده است.



گاهی برخی ترکیبات ملهم از قرآن در کلام حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> با تغییراتی نحوی در عبارات قرآنی ساخته شده‌اند. بدین صورت که ترکیب فعلی به جمله اسمیه تبدیل شده است. ترکیب فعلی «حَفَّ بِالْمَلَائِكَةِ» در واقع، با تغییر در جمله اسمیه «الْمَلَائِكَةُ حَافِينَ» در جمله فعلیه ﴿وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ﴾ (الزمر / ۷۵) به وجود آمده است. همچنین، عبارت «لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ» در خطبه حضرت<sup>(س)</sup> با تغییر در آیه ۷ سوره ابراهیم (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...) به وجود آمده است.

## ۲-۱-۲) واژه و ترکیب‌هایی در کلام حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> که عیناً در قرآن وجود ندارد

واژه و ترکیب‌هایی در کلام است که عیناً از قرآن گرفته نشده‌اند، اما متأثر از قرآن هستند. این نوع تأثیرپذیری خود بر دو گونه است.

### ۲-۱-۲-۱) تلخیص آیه

در این شیوه، واژه یا ترکیبی بی‌آنکه خود به صورت واژه یا ترکیب در قرآن آمده باشد، بر پایه مضمون آیه یا داستانی قرآنی ساخته می‌شود؛ به دیگر سخن، چنین واژه یا ترکیبی برآیند و فرآورده‌ای است از آیه قرآن، یا اینکه این ترکیبات تلخیصی از آیه کامل هستند.

حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> در فرازی از خطبه می‌فرماید: «عَابِدَةٌ لِّأَوْثَانِيهَا: بُتْ هَاي تَرَاشِيْدَه شَدَه رَا پَرَسْتَنْدَه» این ترکیب اگرچه در قرآن کریم وجود ندارد، ولی برگرفته از آیه ۱۷ سوره عنکبوت و در واقع، خلاصه آیه می‌باشد که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا: وَاَقْعًا اَنْجَه رَا كَه شَمَا جَز خَدَا مِي پَرَسْتِيْد، جَز بْتَانِي [بِيْش] نِيْسْتَنْد.﴾ در قسمت دیگری از خطبه، حضرت<sup>(س)</sup> می‌فرماید: «يَجْذُ الْأَصْنَامُ: ... بُتْ هَا رَا دَر هَم شَكْسْت». «يَجْذُ» از ریشه «جذَّ» به معنای «شکستن، پراکنده کردن، قطعه قطعه کردن» (ر.ک؛ قرشی، ج ۲: ۲۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق. ۱۹۰ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق. ج ۳: ۴۷). این فرمایش ناظر است به قسمتی از آیات ۵۷

و ۵۸ سوره انبیاء که درباره بت شکنی حضرت ابراهیم (ع) (وَ تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ... فَجَعَلَهُمْ جُذَدًا) که در واقع، کلام حضرت فاطمه (س) تلخیص و عصاره این آیه می‌باشد.

همچنین، عبارت «وَخَشَعَتِ الْجِبَالُ» در واقع، در قرآن کریم وجود ندارد، اما متأثر از قرآن و تلخیص آیه ۲۱ سوره حشر می‌باشد: ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ...﴾ می‌توان گفت که «وَسُبُوغِ الْإِءِ» تلخیص و عصاره آیه ۲۰ سوره لقمان می‌باشد که می‌فرماید: ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ: و فراوان داشته بر شما نعمت های خود را﴾ مراد از «الاء» همان «نعمت» موجود در آیه است.

## ۲-۱-۲-۲ ترکیب‌های متناظر

گاه گوینده از سر عنایت فراوان به ساخت واژه‌های معادل، یک عبارت قرآنی را در نظر می‌گیرد و آنگاه تعبیری متناظر با آن می‌آفریند تا با سبک خاص او هماهنگ شود. این اصطلاحات بدیع و کوتاه که ساختاری شبیه اصطلاحات معروف قرآنی دارند، به قصد ایجاد تأثیری مشابه اصطلاحات قرآنی آفریده شده‌اند. در واقع، با تغییر در برخی واژه‌ها و یا ترکیبات قرآنی، ترکیبی نو و جدید به وجود آمده است. ساده‌ترین راهکار در این فن، انتخاب یک اصطلاح مرکب دو واژه‌ای، تجزیه آن، یافتن مترادفی برای هر جزء یا برای یک جزء و آنگاه اضافه کردن هر یک از دو واژه‌ها با یک حرف ربط به یکدیگر است تا سرانجام، اصطلاحی مرکب از دو جفت واژه به دست آید (ر.ک؛ وداد القاضی، ۱۳۸۹: ۴۳۱).

با همین روش، از اصطلاح قرآنی «الشَّمْسُ ضِيَاءٌ» در آیه ۵ سوره یونس (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا...) اصطلاح «شَّمْسِ الضَّاحِيَةِ» در عبارت «قَدْ تَجَلَّىٰ لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ: در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان روشن است»، به دست آمده است. نمونه دیگری از این ترکیب‌های متناظر، ترکیب «نِظَامُ الدِّينِ» در عبارت «وَاسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ: و نظام دین کاملاً ردیف شد»، در بخشی از خطبه می‌باشد که دقیقاً در قرآن وجود ندارد، اما یادآور ترکیب قرآنی ﴿أَقِيمُوا الدِّينَ﴾ در آیه ۱۳ سوره شوری است که «نظام»، جانشین «أَقِيمُوا» شده است.

## ۲-۲) استشهاد گزاره‌ای

گزاره به معنای عبارت و جمله (جمله کامل یا جمله ناقص) می‌باشد و منظور این است که عبارت یا جمله، بدون تغییر یا با اندکی تغییر متأثر از قرآن باشد. این نوع به دو گونه اقتباس و حلّ یا تحلیل تقسیم می‌شود.

### ۱-۲-۲) اقتباس

اقتباس، مصدر مأخوذ از قیس (ر.ک؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۱۱۲) و به معنی «اخذ شعله» است و در استعاره از طلب علم گفته می‌شود (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۵۲ و قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۲۲۲). در این شیوه، گوینده عبارات قرآنی را بی‌هیچ گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییر و دگرگونی در سخن خویش جای می‌دهد (ر.ک؛ راستگو، ۱۳۸۰: ۳۰). در اقتباس، علت اصلی به کارگیری آیه، اثبات و تأیید موضوع اصلی سخن و سیاق آن نیست، بلکه تکمله و تأییدی است که در بخشی از سخن به کار می‌رود (ر.ک؛ پور رستمی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

### الف) از نمونه‌های بدون تغییر

حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> در فراز دیگری از سخن خویش، از وضعیت ناشایست اعراب قبل از اسلام و از جنگ‌ها و خونریزی‌هایی بی‌هدفی که آنان را به لبه پرتگاه و سقوط در آتش جهنم می‌کشانده، یاد می‌فرماید و آنگاه برای تصدیق سخن خویش به قسمتی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران استناد می‌کنند: ﴿وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ...﴾.

در باب تهدید ظالمان و اینکه ستمکاران بالأخره به عذاب دچار خواهند شد، می‌فرمایند هر خبر و وعیدی که پیامبران از جانب خداوند داده‌اند، وقت معینی دارد که این فرمایش حضرت<sup>(س)</sup>، از اول آیه ۶۷ سوره انعام (لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ...) اقتباس شده است.

پرسشی که در اینجا ممکن است به ذهن متبادر گردد، این است که چه فرقی بین این نوع اقتباس (بدون تغییر) و استشهاد صریح به بخشی از آیه وجود دارد! در جواب می‌توان گفت در

این نوع اقتباس، استشهاد به یک گزاره یا حتی یک عبارت قرآنی است، ولی در استشهاد صریح به بخشی از آیه، استشهاد به یک یا چند جمله قرآنی است و فرق مهم‌تر اینکه در استشهاد به بخشی از آیه، حضرت<sup>(س)</sup> برای اثبات سخن خویش به بخشی از آیه - که ممکن است یک یا چند جمله باشد - استدلال می‌نمایند، در صورتی که در اقتباس، آوردن بخشی از آیه قرآن برای استدلال و اثبات سخن خویش نیست، بلکه به عنوان تأیید و تکمله سخن از آیه قرآن استفاده می‌شود.

### ب) نمونه‌هایی با تغییر اندک در آیه

در برخی موارد، پیامبر<sup>(ص)</sup> برای حفظ هماهنگی و انسجام ساختار نحوی کلام، آیات قرآن را به گونه‌ای دیگر باز نویسی کرده است. از نمونه‌های باز نویسی، تغییر در صیغه فعل و ضمیر در بخشی از خطبه می‌باشد: «دَاعِيَا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» این فراز از سخن حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> اقتباس از آیه ۶۷ سوره حج می‌باشد که می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ که حضرت<sup>(س)</sup> با توجه به ساختار کلام خود، صیغه «امر» را «اسم فاعل»، و ضمیر «مخاطب» در «رَبِّكَ» را به ضمیر «غایب» در «رَبِّهِ» تغییر داده است.

نمونه دیگر اینکه پس از بیان زحمات و رنج‌های امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> در راه اسلام و سرزنش مردم منافق صفت را به سبب راحت طلبی و رفاه زدگی آنان به یاد ایشان می‌آورد که شما در آن دوران سخت و کمر شکن، همواره منتظر آن بودید که حوادث دردناکی برای ما پیش آید تا شما به اهداف خود برسید: «...تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ». این فرمایش، اقتباسی است از قسمتی از آیه ۹۸ سوره توبه (وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرُ) که حضرت<sup>(س)</sup> با توجه به ساختار کلام خود، صیغه «يتربص» را به «تتربصون» و ضمیر «کم» را به «نا» تغییر داده است. همچنین، درباره عمل نکردن به قرآن و پشت سر انداختن احکام آن از سوی حکومت جور زمان خویش می‌فرماید: «وَوَيْدُ تَمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ؟» که اقتباسی است از قسمتی از آیه ۱۸۷ سوره آل عمران: ﴿فَنَبِّذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ...﴾ در این قسمت نیز حضرت<sup>(س)</sup> صیغه «نَبِّذُوهُ» را به «نَبِّذْتُمُوهُ» و ضمیر «هم» را به «کم» تغییر داده که در واقع، یک نوع باز نویسی آیه است.

در مواردی هم حضرت<sup>(س)</sup> بخشی از آیه قرآن را اقتباس کرده اند و برای متناسب کردن با سیاق و اقتضای کلام، حرف اضافه‌ای را کم یا زیاد نموده‌اند؛ مانند: «لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ وَكَسُوفٍ تَعْلَمُونَ» که اقتباس از آیه ۶۷ سوره انعام است: ﴿لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ و حرف اضافه «لام» در کلام حضرت، به صورت اضافه آمده است. همچنین، در عبارت «بِرَّ الْوَالِدَيْنِ» از آیه ۱۴ سوره مریم (بِرَّ الْوَالِدَيْنِ) گرفته شده است که حرف اضافه «باء» و ضمیر «هاء» در کلام حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> حذف شده است.

در مواردی دیگر، حضرت<sup>(س)</sup> برخی از واژه‌های آیه را با جایگزین کردن یا بدون جایگزینی واژه‌ای دیگر حذف می‌فرماید، به شکلی که آیه، به لحاظ نحوی با سیاق کلام همخوان باشد؛ به عنوان مثال، عبارت «وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ» در بخشی از خطبه حضرت<sup>(س)</sup>، از آیه ۲۷ سوره جاثیه اقتباس شده است: ﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِئِدِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ: روزی که رستاخیز بر پا شود، آن روز است که باطل اندیشان زیان خواهند دید﴾ که برای هماهنگی با سیاق، واژه «يَوْمِئِدِ» در خطبه حذف شده، بدون اینکه واژگانی جایگزین آن‌ها شود و «عِنْدَ» که ظرف است، نیز جایگزین «يَوْمَ تَقُومُ» شده است.

در مرتبه‌ای پیچیده‌تر از بازنویسی، یک یا چند واژه مناسب در وسط یا پایان جمله قرآنی می‌آید و در نهایت، جمله‌ای بسط می‌یابد و پرورده می‌شود که در واقع، معنای اصلی آیه قرآن را ثابت نگه می‌دارد (ر.ک؛ و داد القاضی، ۱۳۸۹: ۴۳۹)؛ به عنوان مثال، حضرت<sup>(س)</sup> در بخشی از خطبه می‌فرماید: «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُدَقَّةَ الشَّارِبِ، وَنُهْرَةَ الطَّامِعِ، وَقُبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَمَوْطِئِ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَتَقْتَاتُونَ الْقِدَّ، أَذْلَةَ خَاسِسِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمْ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَذَكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ». این کلام در واقع، اقتباس از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران می‌باشد که می‌فرماید: ﴿وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا﴾ حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> عبارت قرآنی را بسط و پرورش داده اند و جمله «مُدَقَّةَ الشَّارِبِ، وَنُهْرَةَ الطَّامِعِ، وَقُبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَمَوْطِئِ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَتَقْتَاتُونَ الْقِدَّ، أَذْلَةَ خَاسِسِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمْ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ» را در اثنای کلام می‌آورند و بعد از واژه

«أَنْقَذَكُمْ»، به جای ضمیر «منها»، فاعل «اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى» و سبب نجات «بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» را در پایان آیه آورده‌اند.

## ۲-۲-۲ حل یا تحلیل

چنان که در اقتباس و تضمین مشاهده کردیم، گاه گوینده مجبور می‌شود بی‌آنکه ساختار اصلی آیه را بر هم زند، اندکی در آن دست ببرد، اما گاهی نیز گوینده مجبور می‌شود برای آذین‌بندی سخن خویش به آیات قرآن، بیش از پیش آن‌ها را دگرگون و دستکاری کند که این شیوه از اثرپذیری را حل یا تحلیل گویند. در واقع، گوینده با گرفتن الفاظ آیه، آن را در قالب سخن خویش می‌ریزد و این شیوه سبب تغییر قالب آیه می‌شود.

حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> در فرازی از خطبه، درباره فلسفه و حکمت نهی از کم فروشی می‌فرماید: «... وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَايِلِ وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبُخْسِ؛ «فروشنده و مشتری هنگام معامله خود نباید در جنس و بهای آن کم گذارند که در غیر این صورت، مبتلا به نقص خواهند گشت یا در اموال خود در همین دنیا دچار کمبود می‌گردند». این فرمایش حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> در واقع، تحلیل و دگرگون شده قسمتی از آیه ۸۵ سوره اعراف است که می‌فرماید: ﴿أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ...: پس پیمانان و ترازو را تمام نهد، و اموال مردم را کم مدهید. در فرازی که حکمت تشریح احکام را بیان می‌فرمایند، درباره زکات می‌گویند: ﴿وَالزَّكَاةَ تَزَكِيَةً لِّلنَّفْسِ...: این فراز دگرگون شده آیه ۱۸ سوره فاطر است که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ...: و هر کس پاکیزگی جوید، تنها برای خود پاکیزگی می‌جوید. حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> آیه را در کلام خود می‌آورند و ساختار آیه به هم می‌ریزد.

در بخشی از خطبه حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> می‌فرماید: ﴿وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ﴾ که سخن حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> در واقع، دگرگون شده این آیه است که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ صَبَرُوا وَ...أُولَئِكَ لَهُمْ... وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ مگر کسانی که شکیبایی ورزیده، ... برای آنان ... پاداشی بزرگ خواهد بود ﴿(هود/۱۱). همچنین، عبارت «حَتَّىٰ أَنْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ لَوْ أَلْدَبْرَ» در بخشی از خطبه، حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> آن را در قالب کلام خویش می‌ریزند که در واقع، تغییر یافته این آیه است:

﴿سُبْحَانَ الْجَمْعِ وَيُؤْتُونَ الدُّبُرَ﴾: زودا که این جمع درهم شکسته شود و پشت کنند ﴿(القمر/ ۴۵)﴾.

## ۳-۲) استشهاد گزارشی

در این نوع استشهاد، مضمون آیه را به دو شیوه «بیان با الفاظ مترادف» و «تفسیر» گزارش می‌شود.

### ۱-۳-۲) بیان با الفاظ مترادف

گاه حضرت<sup>(س)</sup> آیات قرآن را به الفاظ دیگری نقل می‌کند که در واقع، مترادف الفاظ آیات است.

در فرازی، از خطبه حضرت<sup>(س)</sup> می‌فرماید: «تَنْزِيهَا عَنِ الرَّجْسِ» که در واقع، مترادف آیه ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ﴾: پس، از پلیدی بُت‌ها دوری کنید ﴿(الحج / ۳۰)﴾ می‌باشد که به جای «فَاجْتَنِبُوا»، واژه «تَنْزِيهَا» آمده است.

در فراز دیگری از خطبه نیز می‌فرماید: «الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ» که دقیقاً همان آیه ۱۱۸ سوره صافات می‌باشد: ﴿الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ که واژه «الصِّرَاطَ» مترادف با «الطَّرِيقِ» و هر دو به معنای «راه» و «طریق» می‌باشد. در قسمت دیگری از خطبه می‌فرماید: «صَادِقَةً فِي قَوْلِكَ» که دقیقاً همان معنای ﴿صَادِقَ الْوَعْدِ﴾ در آیه ۵۴ سوره مریم می‌باشد که «فِي قَوْلِكَ» جانشین «الْوَعْدِ» شده است.

### ۲-۳-۲) تفسیر

در این شیوه، گوینده مضمون آیه را باز می‌گشاید و با شرح و بسط در سخن خویش می‌آورد که کارکردی تفسیری و توضیحی دارد؛ مانند: «كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُدْقَةَ الشَّرَابِ، وَنَهْزَةَ الطَّامِعِ، وَقُبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَمَوْطِيءَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرِيقَ، وَتَقْتَاتُونَ الْقِدَّ، أَدْلَةً خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَنْخَطِفَكُمْ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَدُكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ...» و مانند جرع‌های

آب بودید و در معرض طمع طمّاعان قرار داشتید. همچون آتش‌زنه‌ای بودید که بلافاصله خاموش می‌گردید، لگد کوب روندگان بودید، از آبی می‌نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می‌کردید. خوار و مطرود بودید، می‌ترسیدند مردمانی که در اطراف شما بودند، شما را برابیند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالتی شما را به دست آن حضرت نجات داد». این فراز اقتباس از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است که می‌فرماید: ﴿وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا؛ و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها کرد. در این قسمت، حضرت (س) بر لبه پرتگاه بودن را شرح و بسط می‌دهد و برای تبیین بیشتر کلام، آن را تفسیر و توضیح می‌دهد؛ بدین صورت: بر لبه پرتگاه بودید؛ مانند جرعه‌ای آب بودید و در معرض طمع طمّاعان قرار داشتید، همچون آتش‌زنه‌ای بودید که بلافاصله خاموش می‌گردید، لگد کوب روندگان بودید، از آبی می‌نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می‌کردید، خوار و مطرود بودید، می‌ترسیدند مردمانی که در اطراف شما بودند، شما را برابیند...

در فراز دیگری از خطبه می‌فرماید: «وَكِتَابُ اللَّهِ...، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَزَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ، وَأَوَامِرُهُ وَأَضِحَةٌ»، «امور آن روشن، احکام آن درخشان، علایم هدایت آن ظاهر، محرّمات آن هویدا، و اوامر آن واضح است» که در واقع، اقتباس از آیه ۲۳ سوره آل عمران ﴿كِتَابِ اللَّهِ...﴾ می‌باشد. در این فراز، حضرت فاطمه (س) به توضیح و تفسیر «كتاب الله» می‌پردازند و یا اینکه در فراز دیگری در توضیح و تفسیر «كتاب الله» حضرت (س) می‌فرمایند: «كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَالنُّورُ السَّاطِعُ وَالضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشَفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجَلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ؛ آن، کتاب گویای الهی، قرآن راستگو، نور فروزان و شعاع درخشان است که بیان و حجت‌های آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار و ظواهر آن جلوه‌گر می‌باشد».



## ۲-۴) استشهاد الهامی - بنیادی

در این شیوه، گوینده مایه سخن خود را از آیه ای الهام می‌گیرد و سخن خویش را بر آن نکته الهام گرفته بنیاد می‌نهد، به گونه‌ای که آشنایان با آن آیه، با خواندن کلام، آیه را به یاد می‌آورند و آن‌ها را در پیوند با یکدیگر می‌بینند؛ پیوندی گاه چنان نزدیک و آشکار که گویی مفهومی رسا از آیه است و گاه چنان دور که جز با تأمل و درنگ نمی‌توان بدان پی برد. همان گونه که مشاهده شد، در سه مورد قبلی، یعنی ۱- استشهاد واژگانی (وامگیری واژه و ترکیب‌هایی در کلام پیامبر<sup>(ص)</sup> که عیناً در قرآن وجود ندارد شامل تلخیص، و ترکیب‌های متناظر)، ۲- استشهاد گزاره ای (اقتباس و تحلیل) و ۳- استشهاد گزارشی (مترادفات و تفسیر آیه)، همه همراه با قرینه‌ی مقالی است که از جنس خود لفظ است، ولی در گونه‌ی آخر، یعنی استشهاد تلویحی که شامل استشهاد الهامی- بنیادی است، همراه با قرینه‌ی حالی است که از جنس معناست و دقیقاً همراه با لفظ نیست.

در واقع، به سبب عجز بودن و آمیختگی قرآن با روح و جان پیامبر<sup>(ص)</sup>، سخنان ایشان در تأثیر شدید قرآن قرار گرفته است و اگر کسی بر سخنان حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> نگاهی کند، به این مسئله پی می‌برد که نه فقط از نظر فصاحت و بلاغت، بلکه از نظر معارف و حقایق هم نیز از قرآن الهام گرفته است و این مسئله در خطبه حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> فراوان آمده است که برای اختصار، چند نمونه را ذکر می‌کنیم.

در بخشی از خطبه، بعد از حمد و ستایش خدای متعال و شهادت به یگانگی او می‌فرمایند: «الْمُتَّبِعُ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتْهُ». این عبارت برای اشاره به دیدنی نبودن حق تعالی آورده شده است و این معنی اگرچه صریحاً در قرآن وجود ندارد، اما الهام گرفته از آیه ۱۴۳ سوره اعراف است که وقتی حضرت موسی<sup>(ع)</sup> به پروردگار عرض می‌کند که خود را نشان بده تا تو را ببینم، خداوند می‌فرماید: ﴿لَنْ تَرَانِي...﴾ هرگز مرا نخواهی دید ﴿وَنِزَآءُ آيَةٍ ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ﴾ (الأ‌نعام/۱۰۳) به همین مطلب اشاره دارد.

در فراز دیگری از خطبه، پس از شهادت به رسالت پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فَرَأَى الْأُمَمَ فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا: آن حضرت امت‌ها را دید که در آیین‌های مختلفی قرار داشته است». در این فراز، بخشی از سخن حضرت (س) متأثر و الهام گرفته از آیه ۱۵۹ سوره انعام است که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ... کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه‌فرقه شدند، تو هیچ‌گونه مسئول ایشان نیستی و کارشان فقط با خداست﴾. همچنین، عبارت «فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ» برای اشاره به اینکه خدای متعال ایمان را برای پاک کردن شما از شرک قرار داده، الهام گرفته و متأثر از آیه زیر در نظر گرفته‌اند: ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَرَبَّنَا فِي قُلُوبِكُمْ كَمَا هُوَ وَكَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ: لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت﴾ (الحجرات / ۷).

پیرامون حکمت وفای به نذر می‌فرماید: «.. وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِضًا لِلْمَغْفِرَةِ: وفای [به نذر موجب آن می‌شود که انسان در معرض مغفرت و آمرزش الهی قرار گیرد (و به [پاداش‌های بزرگ نائل آید]». این جمله، الهام گرفته از آیات ۷ به بعد سوره انسان در باب وفای به نذر آمده است که در شأن خود حضرت زهرا (س)، حضرت علی (ع) و حسنین (ع) نازل شده است: ﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ... فَوْقَهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا: همان بندگان که [به نذر خود وفا می‌کردند... پس خدا [هم] آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادایی و شادمانی به آنان ارزانی داشت﴾ (الإنسان/ ۷-۱۱).

پیرامون گمراه شدن مردم و تبعیت آن‌ها از شیطان می‌فرماید: «.. فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ: (شیطان) شما را در حالی یافت که لبیک گوی ندایش بودید». این فرمایش، یادآور قسمتی از آیه ۲۲ سوره ابراهیم است که می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الشَّيْطَانُ... وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي﴾. همچنین، حکمت نهی از تهمت به زنان پارسا را مبتلا نشدن به لعنت دانسته‌اند و می‌فرمایند: «.. وَاجْتَنَابَ الْقَذْفِ حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ». این فرمایش ناظر است به قسمتی از آیه ۲۳ سوره نور که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... لَعْنُوا...﴾ درباره حکمت تشریح و وجوب زکات می‌فرماید: «... وَالزَّكَاةُ تَرْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ: و

(خداوند) زکات را بدان سبب واجب ساخت تا موجب تزکیه نفس (و پاک‌سازی روح از گناهان) گردد و علاوه بر آن، باعث زیاد شدن رزق و روزی شود». بخش اول این فرمایش، ناظر است به صدر آیه ۱۰۳ سوره توبه که می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...﴾ از اموال آنان صدقه ای بگیر تا با آن، ایشان را پاک و پاکیزه سازی ﴿﴾. بخش دوم فرمایش حضرت (س) نیز ناظر است به ذیل آیه ۳۹ سوره روم که می‌فرماید: ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغِفُونَ﴾ آنچه را از زکات دادید، در حالی که خشنودی خدا را خواستارید، پس آنان همان فرونی یافتگانند و مضاعف می‌شود ﴿﴾.

در پایان لازم است به نکته ای که در تقسیم بندی‌های قبلی نمی‌گنجد، اشاره شود. در برخی از سخنان حضرت (س) اشاره‌هایی آمده که مصادیق آن را در قرآن می‌توان یافت. این موارد را می‌توان در واقع، تلخیص و عصاره تعدادی از آیات قرآن دانست. در بخش اول خطبه، در حمد و ثنای پرورگار می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أَنْعَمَ». مصادیق حمد در آیات بسیاری از قرآن کریم آمده است؛ مانند حمد و سپاس به سبب آفرینش آسمان و زمین تاریکی و روشنایی: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ (الأنعام/۱)؛ حمد و سپاس برای نزول کتابی که در آن هیچ گونه کژی در آن نیست: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾ (الکهف/۱)، حمد و سپاس برای نشان دادن آیات آفاقی: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سِيرَتِكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (النمل/۹۳) و... همچنین، در همین فراز می‌فرماید: «وَتَمَامٍ مِّنْ أَوْلَادِهَا: مَنَّتْ هِيَ بِي شِمَارِي كِه ارزانی داشت». در این فراز نیز مصادیق «مَنَّتْ» مانند فرستادن پیامبر به سوی مردم، ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا﴾ (آل عمران/۱۳۷)، ارشاد به سوی ایمان ﴿بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ﴾ (الحجرات/۳۷) در آیات متعدد قرآن آمده است (برای موارد دیگر، ر.ک؛ آل عمران/۱۰۳؛ المائده/۱۱ و ۲۰؛ النمل/۱۹ و النحل/۸۱).

## نتیجه‌گیری

- مشهودترین نتیجه که پس از تحلیل و بررسی خطبه فدکیه و مقایسه آن با آیات قرآن کریم به دست آمده، این است که سخنان حضرت فاطمه (س)، به ویژه در خطبه فدکیه، از جهات بسیاری متأثر از قرآن کریم می‌باشد.

- حضرت فاطمه (س) در موارد مختلف، به تصریح و یا به تلویح، برای روشن کردن منظور خود و نیز در احتجاجات خویش، به آیات قرآن استشهاد می‌کردند که این امر می‌تواند تأثیر زیادی در فهم آیات قرآن داشته باشد؛ چراکه معصومین (ع) مبین و مفسر آیات قرآن هستند.

- تأمل در گونه‌شناسی‌های استشهاد حضرت فاطمه (س) به آیات قرآن در خطبه فدکیه نشان می‌دهد که استشهدای ایشان، به صورت تصریحی شامل استشهاد به بخشی از آیه یا آیه کامل بوده است و استشهدای تلویحی، شامل واژگانی، و گزاره‌ای که خود به دو صورت اقتباس یا تضمین و حل یا تحلیل است، گزارشی، و الهامی - بنیادی می‌باشد.

## پی‌نوشت‌ها

۱- ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَالرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ...﴾ (الحشر/۷).

۲- این سخن با اندکی تغییر در تعبیر منابع اهل سنت به افراد دیگر، مانند عمر، عایشه و ابوهریره هم نسبت داده شده است (برای نمونه، ر.ک؛ ابن حنبل، بی‌تا، ج ۱: ۲۵ و ۴۷؛ همان، ج ۲: ۴۶۳؛ همان، ج ۶: ۱۴۵ و ۲۶۲؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۵: ۳۲ و مسلم، بی‌تا، ج ۵: ۱۵۲). عالمان شیعه این سخن ساختگی را در آثار خود به نقد کشیده‌اند. شیخ مفید در رساله‌ای مختصر این خبر را با تحلیل محتوای آن از طریق بیان احتمالات گوناگون معنایی رد کرده است، اما به آیات قرآن و سنت قطعی دال بر بطلان مضمون این خبر استناد نکرده است، همچنان که به نقد سندی آن نیز پرداخته است. اما عالمان دیگر به نقد سندی و محتوایی این خبر پرداخته‌اند (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۴ق، ۱؛ شریف

مرتضی، ۱۴۱۴ق: ۳۳۱؛ کراچکی، ۱۴۲۱ق: ۱۲۹؛ ابن طاووس، ۱۳۹۹ق: ۲۵ و همان، ج ۷، ۱۸۷: (۲۲۹).

۳- این نوع تقسیم‌بندی برگرفته از کتاب تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی اثر سید محمد راستگو می‌باشد.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم. (۱۴۱۵ق.). ترجمه محمد مهدی فولادوند. ج ۱. تهران: دارالقرآن الکریم.
- ابن ابی الحدید، عزالدین أبو حامد. (۱۳۳۷). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۴ق.). الإمامة والتبصرة من الحیرة. قم: بی جا.
- ابن حجاج، مسلم. (بی تا). الجامع الصحیح (صحیح مسلم). بیروت: دار الجیل و دار الآفاق الجديدة.
- ابن حنبل، احمد. (بی تا). مسند أحمد بن حنبل. بیروت: دارالصادر.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۹۹ق.). الطوائف من معرفة مذاهب الطوائف. قم: بی جا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). لسان العرب. ج ۳. بیروت: دارصادر.
- اشعری، احمد بن محمد. (۱۴۰۸ق.). النوادر. قم: مدرسه امام مهدی.
- امینی، عبدالحسین. (بی تا). الفدیر. بیروت: دارالکتب العربی.
- اهوارکی، سمیه. (۱۳۸۹). بررسی استشهاد به آیات در احتجاجات معصومین<sup>(ع)</sup>. رساله کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ق.). صحیح البخاری. بیروت: دارالفکر.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۳۰). المحاسن. تحقیق سید جلال الدین حسینی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق.). الجامع الصحیح (سنن الترمذی). تحقیق عبدالرحمن محمد بن عثمان. بی جا: دارالفکر.

- جعفری، مهدی. (۱۳۷۳). *خطبه فدک در مسند فاطمه سلام الله علیها*. چ ۲. بی‌جا: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی جلیل.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- راستگو، محمد. (۱۳۸۰). *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*. چ ۲. تهران: سمت.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. چ ۱. بیروت: دارالعلم.
- زنجانی، عزالدین. (۱۳۷۳). *شرح خطبه حضرت زهرا (س)*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ق.). *در المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: نشر کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شریف، مرتضی. (۱۴۱۴ق.). *الفصول المختار من العیون والمحاسن*. تحقیق سید نورالدین جعفریان، یعقوب جعفری و محسن احمدی. بیروت: دارالمفید.
- صدر، محمدباقر. (۱۴۱۵ق.). *فدک فی التاریخ*. بی‌جا: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة.
- صفار، محمدبن حسن. (۱۴۰۴ق.). *بصائر الدرجات*. تحقیق میرزا حسن کوجه‌باغی. تهران: اعلمی.
- طبرسی، احمدبن علی. (۱۳۸۶). *الإحتجاج*. تحقیق سید محمدباقر خراسان. نجف: دارالنعمان.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین و مطلع النیرین*. چ ۳. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- القاضی، و داد. (۱۳۸۹). «تأثیر قرآن بر نثر نویسی عبدالحمید کاتب». *رهیافت های بی به قرآن* ترجمه سیده زهرا مبلغ، عبدالقادر شریف و هاوتینگ جرالده. به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی. چ ۱. تهران: حکمت، تهران.
- قرشی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. چ ۶. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- کراجکی، محمدبن علی. (۱۴۲۱ق.). *التعجب من اغلاط العامة فی مسألة الإمامة*. تحقیق فارس حسون کریم. بی‌جا: بی‌نا.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۳). *الکافی*. تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری. بی‌جا: بی‌نا.

مکارم شیرازی، ناصر. (بی تا). ۱۸۰ پرسش و پاسخ، برگرفته از تفسیر نمونه. به کوشش جمعی از نویسندگان حوزه علمیه قم. قم: نشر معارف اهل بیت (ع).  
مفید، محمدبن نعمان. (۱۴۱۴ق.). رساله فی حدیث نحن معاشر الأنبیاء لا نورث. بیروت: دارالمفید.  
هشمی، نورالدین. (۱۴۰۸ق.). مجمع الزوائد. بیروت: دارالکتب العلمیه.



